

## جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه ای اتحادیه اروپا

علی عباسی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

نویسنده مسئول:

علی عباسی

### چکیده

اتحادیه اروپا برای روابط خود با منطقه خاورمیانه مکانیسم های تعریف کرده است و این مکانیسم ها معیار و ملاک نوع تعامل با خاورمیانه است. هدف اصلی این مکانیسم ها هم آن است که در خاورمیانه، اتحادیه اروپا دارای جایگاه و وزن باشد. نکته ای که باید در اینجا بدان اشاره شود، این است که برای اتحادیه اروپا مهم آن است که بر مبنای مکانیسم های یاد شده در خاورمیانه داری نقش و نفوذ باشد و بدین خاطر اتحادیه اروپا اولویت و حق تقدم را به مکانیسم های خود می دهد. بر این مبناء، اتحادیه اروپا به دنبال تطبیق دادن شرایط و تحولات منطقه با مکانیسم های خود است و نه اینکه به دنبال تطبیق مکانیسم های خود با شرایط منطقه باشد. با شروع تحولات داخلی در تونس، مصر، لیبی و سوریه، اتحادیه اروپا وارد عمل شد و تلاش کرد که شرایط جدید با مکانیسم های اروپایی سازگاری داشته باشد. لذا برای اروپا مهم بن علی، مبارک یا قذافی نیست، بلکه مهم ایفای نقش در چارچوب مکانیسم های یاد شده است. بر این مبناء، سوال اصلی این گونه مطرح شده است که مولفه های تاثیرگذار بر جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه ای اتحادیه اروپا کدام است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که حقوق بشر، برنامه های هسته ای و تروریسم مهم ترین مولفه های تاثیرگذار بر جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه ای اتحادیه اروپا است. به طور کلی، جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه اتحادیه اروپا مبتنی بر مولفه های یاد شده، جایگاهی مستحکم و استراتژیک نیست. این امر سبب شده است روابط دو طرف همواره با فراز و نشیب مواجه شود.

**کلمات کلیدی:** سیاست خاورمیانه ای، اتحادیه اروپا، جایگاه جمهوری اسلامی ایران.

**مقدمه**

اتحادیه اروپا به عنوان موفق‌ترین الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای، از ابتدای دهه ۱۹۹۰ تلاش‌ها و برنامه‌های هدفمندی را برای انسجام و گسترش خود از طریق هماهنگ‌سازی سیاست‌های ملی اعضا آغاز نموده است. در این میان، با بازتعریف نمودن سطح روابط خود با ایالات متحده آمریکا از «وابستگی» به «مشارکت فرآتلانتیکی کوشیده است تا جایی که ممکن است زمینه‌های بین‌المللی را برای ایفای نقش جدید جهانی خود مساعد نماید. درخصوص نقش و جایگاه بین‌المللی اتحادیه اروپا میان نظریه‌پردازان روابط بین‌المللی اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد. در حالی که رئالیست‌ها اتحادیه اروپا را به دلیل عدم بهره‌مندی از سیاست خارجی واحد و نیز نیروی نظامی منسجم و یکپارچه، «قدرت بزرگ» تلقی نمی‌نمایند، نظریه‌پردازان لیبرال و هنجاری و ویژگی غیرنظامی بودن اتحادیه اروپا را عامل اصلی نفوذ گسترش ارزش‌ها و هنجارهای اروپایی به عنوان قدرتی نرم» یا «هنجاری» در قلمرو بین‌المللی می‌دانند.

اروپا در دوره جنگ سرد در مقام قدرت اقتصادی منطقه‌ای، عرصه ژئوپلیتیک را به آمریکا واگذار نموده بود. به سخنی دیگر، سیاست خاورمیانه‌ای اروپا در غیاب نفوذ پیشین، تحت‌الشعاع سیاست‌های آمریکا قرار گرفته و اروپاییان نوعاً به تقویت پیوندهای اقتصادی و تجاری خود با کشورهای این حوزه مبادرت ورزیدند. پایان جنگ سرد فرصت‌های تازه‌ای برای اروپا جهت احیای نفوذ در خاورمیانه فراهم آورد. در این دوره بین منافع و اولویت‌های آمریکا و اروپا تفاوت‌هایی پدید آمد که به دیدگاه‌ها و رهیافت‌های مختلفی منجر شد. اروپاییان تلاش نمودند با اتکا به میراث تاریخی، پیوندهای سنتی و نزدیکی جغرافیایی، تمرین در عرصه معادلات خاورمیانه‌ای به عنوان بازیگر سیاست خارجی را در دستورکار سیاست منطقه‌ای خود قرار داده و برای حفظ منافع اقتصادی گسترده با برخی مخالفت‌های مقطعی با سیاست‌های آمریکا به بازسازی نفوذ خود پرداختند. پیوند دیرینه و پیچیده اروپا با خاورمیانه نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست اتحادیه اروپا نسبت به این منطقه دارد. اروپا به دلیل پشت‌سرگذاری دو جنگ جهانی و نیز به دلیل جا گذاشتن خاطرات منفی در حافظه فرهنگ عمومی جوامع خاورمیانه‌ای، در نزدیکی به دولت‌های این منطقه بسیار محتاط عمل می‌نماید.

در این بین، جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی اتحادیه اروپا برخوردار است. سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به ایران به دلیل تأثیرگذاری متغیرهای سیاسی متفاوت، در بعد از انقلاب اسلامی تا امروز، همواره با فراز و نشیب مواجه بوده است. علت اصلی این امر را باید نتیجه ادغام سه عامل نامتجانس دانست: ۱. فرصت‌ها و مزیت‌های ایران برای اتحادیه اروپا ۲. وجود رابطه خصمانه میان ایران و آمریکا و تأثیر آن بر روابط ایران با اروپا ۳. وجود اختلاف‌نظر میان ایران و دولت‌های اروپایی نسبت به برخی موضوعات مهم در سیاست خارجی. در این مقاله ابعاد مختلف این مساله تشریح می‌گردد.

**چارچوب نظری (واقع‌گرایی)**

واقع‌گرایی یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل است که سیاست‌های جهانی را بر اساس رقابت دولت‌ها بر سر منافع ملی خود تعریف می‌کند. واقع‌گرایی، مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. معمولاً جاذبه این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران و همچنین فهم متعارف از سیاست بین‌الملل، دانسته می‌شود. همچنین با وجود اصول و جوه مشترک در میان نظریه‌پردازان واقع‌گرایی، این مکتب یک کلیت کاملاً یکپارچه نیست.

واقع‌گرایان دولت را بازیگر اصلی صحنه سیاست بین‌الملل تلقی می‌کنند و معتقد هستند که سایر بازیگران مانند شرکت‌های چند ملیتی و به طور کلی سازمان‌های غیر حکومتی در چهار چوب روابط میان دولت‌ها عمل می‌کنند، در حالی که دولت در سطح داخلی قادر به اعمال اقتدار می‌باشد در سطح خارجی در یک نظام فاقد اقتدار مرکزی با سایر دولت‌ها در همزیستی به سر می‌برد. در چنین محیطی دولت‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند و ماهیت این رقابت بر اساس بازی با حاصل جمع صفر تعیین می‌گردد. واقع‌گرایان ضمن تأکید بر قدرت و منافع ملی بر این اعتقادند که اصولاً از بین بردن گزینه قدرت صرفاً یک آرمان است. بنابراین تعقیب و کسب قدرت یک هدف منطقی و اجتناب‌ناپذیر سیاست خارجی به شمار می‌رود. آنها برای استقلال دولت‌ها اهمیت زیادی قائل هستند و معتقدند که در نبود حکومت جهانی، عملاً دولت‌ها در حالت مبهم به سر می‌برند و همزیستی از طریق حفظ موازنه قدرت حاصل می‌شود. آنها اعتقاد دارند که انقلاب در سیاست بین‌الملل ندارند زیرا معتقدند اگر بازیگران جدیدی در صحنه وارد شوند بعد از مدتی مشخصات بازیگران قبلی را پیدا می‌کنند و در صدد تأمین امنیت و منافع خود خواهند رفت. مفهوم دیگر مورد نظر واقع‌گرایان آشوب زدگی است، منظور این است هیچ حکومت مرکزی در نظام بین‌الملل نیست و کنترل مطلق بر کل نظام وجود ندارد و دلیل تمایز عرصه داخلی از عرصه بین‌المللی همین نبود اقتدار در

سطح جهانی می باشد. در واقع محیط یا نظام دولتی که دولتها در آن زندگی می کنند اساساً آنارشیک است و آنارشیک بودن نظام دولتی در واقع ریشه در برداشت هابز در زمینه برقرار بودن وضعیت طبیعی در روابط بین الملل دارد. از نظر آنها تعارض و رقابت به عنوان رابطه ای است که در نظام بین الملل حرف اول را می زند.

### اهمیت خاورمیانه برای اروپا

در فضای کنونی که اسلوب‌های سیاسی و هنجارهای شناخته شده بین‌المللی یکی پس از دیگری مورد چالش قرار می‌گیرند، اتخاذ سیاست صبر و انتظار و نه چنان فعالانه از جانب اروپا در خاورمیانه هزینه‌های بیشتری را می‌طلبد که شاید قابل جبران نباشد. اروپا فرصت‌های زیادی را برای ایفای نقش مثبت‌سازی در خاورمیانه از دست داده است و این امر اقتضا می‌کند که این اتحادیه با درک شرایط حساس و تاریخی و اجتناب از فرسایشی شدن اختلافات و گفت‌وگوهای طولانی همکاری‌ها و تفاهات خود با کشورهای ثبات‌ساز خاورمیانه را بر نتیجه برساند و به عنوان نقش‌آفرینی قابل اعتماد ظاهر شود. از آنجا که خاورمیانه موضوع رقابت و چانه‌زنی قدرت‌ها واقع شده است، آینده مناسبات جهانی احتمالاً در این منطقه رقم خواهد خورد. با درک این شرایط تاریخی اروپا و خاورمیانه باید برای ایجاد صلح و ثبات لازم به درکی متقابل نائل شوند (واعظی، ۱۳۸۵، ۱۷۴-۱۷۲).

با توجه به این امر، تأثیرات حضور اروپا در این عرصه را به صورت زیر می‌توان برشمرد:

مدیریت کانون‌های بحران بین‌المللی؛

ارتقای جایگاه اروپا در معادلات بین‌المللی؛

تأثیرگذاری بنیادین بر نظام توزیع قدرت بین‌المللی؛

ارائه نقش فعال در بازسازی سیاسی و اقتصادی خاورمیانه به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مناطق جهان.

اتحادیه اروپا قبلاً توجه زیادی نسبت به روند صلح خاورمیانه از خود نشان نمی‌داد، و این نیز دو دلیل داشت. نخست اینکه اکثر کشورهای اروپایی از نظر تاریخی وجهه خوشایندی در اسرائیل ندارند و این امر از روابط تاریخی آنها با اعراب سرچشمه می‌گیرد. این مسئله اعتبار اتحادیه اروپا را در روند صلح خاورمیانه زیر سوال می‌برد. دوم اینکه اروپاییان سالیان متمادی است به خاطر انحصار طلبی آمریکا در روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، در حاشیه قرار گرفته‌اند.

مواضع اتحادیه اروپا نسبت به روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل را از بیانیه سران این اتحادیه در آوریل ۱۹۹۹ در برلین می‌توان استنباط کرد. در این بیانیه، اتحادیه اروپا پشتیبانی خود را از گفت‌وگوی متکی بر اصول "زمین در مقابل صلح" و تضمین امنیت اجتماعی و فردی ملت‌های اسرائیل و فلسطین اعلام نمود. در این بیانیه آمده است: "اتحادیه اروپا به تصمیم مجلس ملی فلسطین و جمعیت‌های وابسته به آن در تأکید بر الغای بندهای موجود در میثاق ملی فلسطین که خواهان نابودی اسرائیل بوده است و نیز تأکید مجدد این مجلس بر شناسایی اسرائیل و زندگی مسالمت‌آمیز با آن خوش آمد می‌گوید." بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سیاست اتحادیه اروپا نسبت به روند صلح خاورمیانه دچار تحولی اساسی شد. برای نخستین بار اتحادیه اروپا الام نمود که برقراری صلح بین اعراب و اسرائیل، برای ثبات و امنیت اروپا بسیار حایز اهمیت است. به همین دلیل، در اجلاس وزرای خارجه، اتحادیه اروپا در فوریه ۲۰۰۲ تأکید شد که مسئله صلح خاورمیانه در حوزه امنیتی آن قرار دارد. بر این اساس اتحادیه اروپا به فرایند صلح در این منطقه پیوست. نمونه آن "نقشه راه" است که از سوی اتحادیه اروپا پذیرفته شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۴، ۱۰۵).

سیاست خارجی اتحادیه اروپا در منطقه‌ی خاورمیانه یا چالش‌هایی مواجه است:

**نخست**، هنوز سیاست خارجی و امنیتی مشترک (CFSP) اتحادیه اروپا از بالندگی لازم در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی برخوردار نگردیده و در خصوص موضوعات و مناطق حساس، سیاست دول اروپایی از روندهای ملی بیش از گرایش‌های فراملی تبعیت می‌کند.

**دوم**، ورود ۱۰ کشور اروپای مرکزی و شرقی به این اتحادیه و تبدیل شدن آن به سازمانی با ۲۵ عضو، بر سرعت عمل و کارآمدی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپایی تأثیری بازدارنده داشته است و در این راستا زمینه را برای مداخله و تأثیر بازدارنده داشته است و در این راستا زمینه را برای مداخله و تأثیرگذاری برخی از قدرتهای بزرگ همچون ایالات متحده آمریکا در تحولات اروپا و سیاست خارجی آنها فراهم کرده است.

**سوم**، خاورمیانه به لحاظ جغرافیایی و نیز موضوعی از گستره مفهومی وسیعی برخوردار است. از نظر جغرافیایی، حداقل در تعریف اروپایی آن، این منطقه چندین خرده سیستم منطقه‌ای شامل کشورهای واقع در حاشیه خلیج فارس و نیز در ساحل

مدیترانه جنوبی و شرقی را پوشش می‌دهد. از نظر موضوعی نیز خاورمیانه پذیرای بحران‌ها و موضوعات متعدد با بازتاب‌های وسیع بین‌المللی می‌باشد که مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل، امنیت انرژی، تروریسم، تسلیحات کشتارجمعی، بحران اتاق و فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از آن جمله هستند.

**چهارم**، به طور سنتی، اروپا نقش خود را در خاورمیانه به عنوان یک بازیگر در چارچوب خط مشی‌های کلی سیاسی و اقتصادی آمریکا ایفا کرده است و به جای تعقیب یک سیاست فعال و مستقل، عمدتاً کارکردی "انضامی و تکمیلی" داشته است.

به رغم آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، انسجام، وحدت رویه و سرعت عمل بیشتری به سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا بخشیده باشد. خصوصاً آنکه در پی رویداد مزبور، این اتحادیه، توجه بیشتری به خاورمیانه و موضوعات آن به عنوان مهم‌ترین منطقه‌ی تأمین کننده انرژی و نیز کانون اصلی بحران‌های بین‌المللی پیدا کرده است.

در همین رابطه، برخی تحولات جاری در خاورمیانه این منطقه را برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا و سیاست خارجی و امنیتی مشترک این اتحادیه بسیار مهم می‌سازد. پیامدهای جنگ اخیر در لبنان و تعهد اروپا به تأمین نیروهای صلح‌بان، استمرار بحران فلسطین، افزایش عملیات تروریستی در برخی از کشورهای اروپایی از جمله تحولاتی هستند که منادی عصر جدیدی در سیاست‌های منطقه‌ای اروپا می‌باشند. بحران عراق و اشتغال این کشور آزمونگاهی بود که در مقطعی مهم نتوانست چهره‌ی واحدی از اتحادیه اروپا را به نمایش درآورد و ملاً این بلوک را با معضل تصمیم‌سازی رویه رو ساخت.

چنانچه اتحادیه مایل به ایفای نقشی جدی در معادلات بین‌المللی و خصوصاً ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه باشد؛ منطقه‌ای که بیش از هر جای دیگری می‌تواند بر امنیت و اقتصاد این قاره اثر بگذارد، این امر تنها از طریق رویکردی متمایز از گذشته، پویا و جسورانه ممکن است. چنین اراده‌ای در درجه‌ای اول نیازمند غلبه بر تمایلات متفاوت بعضاً متعارض در درون اتحادیه می‌باشد! در عصری که روندهای نظامی- امنیتی و تحول ژئوپولیتیک سریع‌تر از فرایندهای اقتصادی عمل می‌کنند، امنیتی‌تر شدن فضای خاورمیانه و بی‌ثباتی کشورهای این منطقه اولین آثار خود را بر مناطق پیرامونی از جمله امنیت اروپا برجای می‌گذارد. متقابلاً، حل معضل ثبات در خاورمیانه با نقش آفرینی غیرسنتی اتحادیه و در سازگاری نزدیک با بازیگران عمده‌ی منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌باشد (واعظی ۱۳۸۵، ۱۷۲-۱۷۰).

سیاست خارجی و امنیتی مشترک در کنار سیاست دفاعی و امنیتی مشترک یکی از دو ستونی است که اتحادیه‌ی اروپا برای دستیابی به یک ساختار سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی مستقل در پیش گرفته است. هرچند تا پایان جنگ سرد کشورهای اروپایی در حوزه اقتصادی به هم‌گرایی بی‌نظیری دست یافته بودند، اما در عرصه‌ی سیاست خارجی و مسائل بین‌المللی، از رویکرد مشترکی برخوردار نبودند. شرایط دنیای پس از جنگ سرد این واقعیت را برای اروپا آشکار ساخت که اگر هم‌گرایی اقتصادی به هم‌گرایی سیاسی منجر نشود و اروپاییان در زمینه‌ی مسائل سیاسی و امنیتی از صدای واحد و مشخصی برخوردار نباشند، با وجود توانایی‌های بالای اقتصادی، نه تنها همواره به عنوان یک قدرت درجه دوم به حساب خواهند آمد، بلکه در حل ابتدایی‌ترین مسائل مشترک داخلی خود نیز ناتوان خواهند بود. دستیابی به سیاست خارجی و امنیتی مشترک، یکی از اهدافی است که اتحادیه‌ی اروپایی در سال‌های اخیر، به عنوان یکی از اولویت‌های کاری خود قرار داده است. اگرچه پیمان لیسبون نسبت به پیمان قانون اساسی اروپا از سوی بسیاری از کارشناسان یک گام به عقب محسوب می‌شود، اما تغییراتی که در چارچوب آن صورت پذیرفت مؤید دگرگونی در بسیاری از زمینه‌ها، به خصوص در زمینه‌ی تلاش برای هم‌گرایی سیاسی بیشتر است. از نظر تحلیل‌گران نقش ترتیبات مربوط به سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی در پیمان لیسبون بسیار مهم تلقی می‌شود و می‌تواند منشأ اثرات مهمی در آینده‌ی فعالیت‌های اتحادیه‌ی اروپا، به خصوص در زمینه‌ی کیفیت ادامه‌ی همکاری و فعالیت‌های این اتحادیه در چارچوب ناتو باشد. به طور کلی، می‌توان گفت که سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه‌ی اروپا، تلاش اعضای این اتحادیه برای اقدام در چارچوب یک روش هماهنگ برای مسائل سیاست خارجی و امور امنیتی است. این مهم ناشی از تلاشی است که اعضای اتحادیه‌ی اروپا برای دستیابی به نقشی مستقل برای خود در سیاست خارجی قائل هستند.

**سیر تحول روابط ایران و اتحادیه اروپا**

ایران تا قبل از انقلاب به دلیل برخورداری از یک ثابت نسبی در نظام بین‌المللی از جایگاه مناسبی برخوردار بود، در آن دوران، پنج برنامه توسعه اقتصادی تدوین شد و جذب سرمایه خارجی در رأس اهداف این برنامه‌ها قرار داشت، وقوع انقلاب و بروز جنگ ایران و عراق، اهداف برنامه‌های توسعه ایران و استقرار یک نظام توسعه یافته را تحت تأثیر قرار داد و به موازات آن ورود سرمایه خارجی به کشور صفر و حتی در مواردی منفی شد، پس از انقلاب و طی دوران جنگ، تعامل ایران با جهان خارج، بسیار محافظه‌کارانه و در حد رفع نیازهای اقتصادی و نظامی گردید و با بروز تعارض شدید بین ایران و آمریکا، کشور به طوری کلی در شرایط انزوا قرار گرفت. بعد از پایان جنگ به دلیل ضرورت بازسازی و نوسازی اقتصاد کشور، اجرای برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد و جذب سرمایه‌های خارجی نیز مورد توجه برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاست‌گذاران قرار گرفت. طی این دوران، تعامل ایران در رابطه با جهان خارج در تداوم سیاست‌های گذشته بود و همین عامل و برخی نارسایی‌ها در رعایت قواعد بازی جهانی موجب شد که ایران در اجرای برنامه‌های توسعه خود به نتایج مطلوب دست نیابد. در این دوران نظام بین‌المللی تغییرات شگرفی نمود، جنگ سرد و جهان دو قطبی از بین رفته و تعاملات خارجی کشورها به شدت تحت تأثیر تحولات به وقوع پیوسته، بویژه پدیده جهانی شدن و قواعد بازی جدید قرار گرفت. بر اساس نظم نوین جهانی، بازیگران جدید ظهور کرده و قدرت برخی بازیگران بزرگ کاهش یافت. علیرغم بروز چنین تحولاتی، برنامه‌ریزی توسعه ایران و جذب سرمایه خارجی همواره مستقل از سیاست خارجی هدایت می‌گردید. اما از اوایل ۱۳۷۶ با تغییر دولت و ارتقای اهمیت توسعه سیاسی به موازات توسعه اقتصادی در نگرش مسئولین نسبت به نظام بین‌الملل تغییر ایجاد شد و اصلاح و گسترش روابط خارجی ایران در رأس اهداف سیاست خارجی قرار گرفت که در این راستا دیپلماسی اقتصادی بعنوان موتور محرک این سیاست خارجی برگزیده شد (امینی و انعامی علمداری ۱۳۸۸، ۱۶۵-۱۶۴).

در طی این دوره مورد بررسی، کشورهای عضو اتحادیه اروپا بزرگترین منبع برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده و طی چند سال گذشته اتحادیه اروپا جایگاه خود را به عنوان یک سرمایه‌گذار خارجی برجسته حفظ نموده است. به طوری که در سال ۱۹۹۸ حجم خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از این کشورها رقم ۳۸۶ میلیارد دلار بوده است. انگلستان با ۱۱۴ میلیارد دلار بزرگترین سرمایه‌گذار در میان کشورهای اروپایی بوده است. پس از آن آمریکای لاتین در جایگاه دوم قرار می‌گیرد و البته باقیمانده سرمایه‌گذاری اروپا از تنوع جغرافیایی گسترده‌ای برخوردار است. لذا اتحادیه اروپا با ۴۴ درصد از جریان سرمایه‌گذاری خارجی در طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۷ به بزرگترین سرمایه‌گذار تبدیل گردید. در سال ۱۹۹۹، برای نخستین بار، بیش از ۵۰ درصد میران سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (۵۲ درصد) را وارد کشورها نمود. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۰ در سطح جهان ۷۱۸/۵ میلیارد یورو اعلام شده که ۱۶۶/۵ میلیارد یورو نسبت به سال ۱۹۹۹ افزایش داشته است. بنابراین پس از مشاهده مطالب فوق جایگاه اتحادیه اروپا در روابط تجاری با ایران بویژه اهمیت آن برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مشخص می‌شود. با این وجود کشورهای اتحادیه اروپا در حال حاضر بیشترین سهم را در ورود سرمایه مستقیم خارجی به ایران بر عهده دارند.

احمد مرتضوی مدیر کل دفتر سرمایه‌گذاری های خارجی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران پیرامون جذب سرمایه‌گذاری خارجی و روابط اقتصادی با کشورهای اروپایی اظهار داشته که آلمان با ۱۴ درصد انگلستان با ۱۲ درصد و ایتالیا با ۱۱ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صدر فهرست کشورهای سرمایه‌گذار در ایران قرار دارند. از این رو مشاهده می‌گردد که برخورداری از روابط اقتصادی و تجاری با اروپا و به ویژه نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای اروپایی تا چه اندازه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ضروری به نظر می‌رسد که حجم روابط تجاری فی ما بین نیز این را نشان می‌دهد.

مناسبات ایران و اروپا با روی کار آمدن حسن روحانی تغییر کرد. دلایل این تغییر را نخست می‌توان در مبانی جدید سیاست خارجی ایران جستجو کرد که عبارتند از: تأکید بر سیاست خارجی فعال، سازنده و واقع‌گرا، سیاست خارجی در خدمت تأمین منافع ملی، اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی، تعامل سازنده و تنش‌زدایی.

پیروزی روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و برنامه‌های ارائه شده وی در عرصه سیاست خارجی با استقبال گسترده مقام‌های کشورهای مختلف دنیا از جمله اروپایی‌ها مواجه شد. واکنش‌های مقامات اروپایی نشان دهنده استقبال آنها از ریاست جمهوری روحانی و امیدواری آنها به آغاز دور جدید از مناسبات حسنه ایران و اروپا بود. اروپایی‌ها با صدور بیانه‌هایی ضمن استقبال از این انتخاب برای همکاری بیشتر در عرصه بین‌الملل با ایران اعلام آمادگی کردند. در همین زمینه فرانسه اعلام کرد که آماده همکاری با دولت روحانی رد خصوص مسائل مختلف است. وزیر امور خارجه ایتالیا نیز پس از انتخاب رئیس جمهوری جدید ایران، ابراز امیدواری کرد که رم گفتگویی سازنده با این کشور داشته باشد. کاترین اشتون،

مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا با ارسال نامه تبریک به روحانی از وی دعوت کرد تا در اسرع وقت مذاکرات با گروه ۵+۱ را از سر بگیرد. رئیس جمهوری فرانسه، نخست‌وزیر اسپانیا، صدر اعظم آلمان و نخست‌وزیر انگلستان در پیام‌های جداگانه‌ای ضمن تبریک پیروزی روحانی نسبت به بهبود و توسعه روابط ایران و کشورهای شان ابراز خوش‌بینی کردند. وزیر امور خارجه فرانسه نیز در ملاقاتی با سفیر ایران در فرانسه عنوان کرد که آن کشور آماده است با دولتمردان جدید ایران کار کند، اما انتظار دارد تهران گام‌های ملموسی را برای رفع نگرانی جامعه بین‌المللی از برنامه هسته‌ای ایران بر دارد. رؤسای جمهوری چک، اسلواکی و آلمان نیز در پیام‌های جداگانه‌ای انتخاب روحانی به ریاست جمهوری ایران را تبریک گفتند. همچنین در اقدامی دیگر خاویر سولانا مسئول اسبق سیاست خارجی اتحادیه اروپا که میهمان مراسم تحلیف ریاست جمهوری ایران بود در ملاقات با رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهوری ایران بر بهبود مناسبات ایران و اتحادیه اروپا در دوران جدید تأکید کرد (سنایی و رحمتی مقدم ۱۳۹۳، ۹۱-۹۰).

سخنان رئیس جمهوری ایران در مراسم تنفیذ، تحلیف و اولین کنفرانس خبری پس از تحلیف نیز بازتاب وسیعی در بین رسانه‌ها و مطبوعات اروپا داشت. اکثر منابع خبری بخشی از سخنان روحانی را که بر آمادگی ایران برای از سرگیری مذاکرات به صورت جدی تأکید داشت منعکس کردند. پس از شروع به کار دولت یازدهم معاون وزیر خارجه ایتالیا به عنوان اولین مقام اروپایی وارد تهران شد و با نه‌اندیان، رئیس دفتر رئیس جمهوری ملاقات کرد. طرفین در این دیدار بر گسترش همکاری‌های دوجانبه تأکید کردند (محسن اسدی، خبرگزاری آفتاب، تیر ۱۳۹۲).

در ۲۵ شهریور ۱۳۹۲، دیوان دادگستری اروپا تحریم شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی و ۱۷ شرکت دیگر را باطل کرد. همزمان مدیر عامل شرکت توتال فرانسه رسماً آمادگی خود را برای بازگشت مجدد به صنعت ایران و به ویژه توسعه پارس جنوبی اعلام کرد. در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه ۱۳۹۲، حسن روحانی و هانس فیشر، رؤسای جمهور ایران و اتریش با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند. حسن روحانی در این دیدار تصریح کرد که ایران می‌تواند مرکز انرژی مطمئنی برای اروپا شد. رئیس جمهور اتریش هم در این دیدار با اشاره به روابط تاریخی و دیرینه دو کشور از ارتقاء مناسبات فی ما بین استقبال کرده و گفت همکاری با ایران برای اتحادیه اروپا ثمربخش است. همچنین روحانی با فرانسوا اولاند رئیس جمهور فرانسه و ظریف با لوران فابوس وزیر امور خارجه فرانسه دیدار و در خصوص پرونده هسته‌ای و روابط دوجانبه گفتگو کردند. وزیر امور خارجه بلژیک نیز در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در دیدار با ظریف ضمن ابراز خرسندی از دیدگاه‌های دولت روحانی در عرصه سیاست خارجی برای تعامل با دنیا گفت: سیاست‌های دولت جدید ایران می‌توان زمینه را برای همکاری‌های بیشتر کشور با اتحادیه اروپا فراهم کند (علیرضا قربان زاده، ایرنا، مهر، ۱۳۹۲).

پیرو مذاکرات وزرای خارجه ایران و انگلستان در نیویورک مقرر شد گفتگوها بین نمایندگان طرفین ادامه یابد. اندکی بعد وزیر امور خارجه انگلیس به ظریف پیشنهاد داد که دو کشور نسبت به تعیین کاردار غیرمقیم در پایتخت‌های یکدیگر اقدام کنند. همچنین ظریف با وزیر امور خارجه سوئیس دیدار و در خصوص مباحث مورد علاقه طرفین گفتگو کرد. همزمان در حاشیه گفتگوهای ایران و ۵+۱ معاونان وزرای امور خارجه ایران و انگلستان در خصوص پرونده هسته‌ای ایران و نیز سطح روابط دو کشور در ژنو دیدار و گفتگو کردند.

در ۲۷ مهر ۱۳۹۲ هیأت پارلمانی اروپا وارد تهران شده و در مدت اقامت چهار روزه خود در تهران با برخی از مقام‌های ایران دیدار و گفتگو کرد. در نیمه دوم مهر ماه قائم مقام وزیر خارجه سوئیس و رئیس اتریشی هیأت پارلمانی اروپا در سفر به تهران و دیدار با برخی مسئولان کشور بر گسترش روابط ایران و اروپا و ضرورت لغو تحریم‌ها علیه ایران تأکید کردند. در شروع کار دولت یازدهم رئیس پارلمان ایرلند، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان، نخست‌وزیر اسبق ایرلند و معاون سیاسی و مدیر کل منطقه‌ای وزارت امور خارجه ایرلند به ایران سفر کردند. در ۱۲ آبان ۱۳۹۲ ظریف در دیدار با قائم مقام وزارت خارجه اتریش برای همکاری و تعامل با کشورهای اروپایی در سطح دوجانبه و مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه تثبیت ثبات و امنیت در منطقه اعلام آمادگی کرد. در نیمه آبان همان سال وزیر امور خارجه ایران که به منظور شرکت در مجمع سران سازمان یونسکو به پاریس سفر کرده بود با وزیر امور خارجه فرانسه دیدار کرد. در این دیدار، ظریف با یادآوری گفتگوهای سازنده ایران و گروه ۵+۱ در نیویورک، ژنو و وین، روند این مذاکرات را رو به جلو توصیف و ابراز امیدواری کرد در گفتگوهای آتی ایران و ۵+۱ در ژنو این روند ادامه یابد. در ۳۰ آبان ۱۳۹۲، در سمینار معرفی ظرفیت‌های اقتصادی ایران به میزبانی اتاق بازرگانی مشترک ایتالیا و ایران، اعلام شد که شرکت‌های ایتالیایی به ویژه صنایع نفت به بازار ایران نیاز دارند. رویکرد جدید ایران در پرونده هسته‌ای که با اعلام سیاست «ترمش قهرمانانه» مقام رهبری شروع شده بود با رایزنی‌ها و مذاکرات فشرده ایران و گروه ۵+۱ در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در شهریور-مهر ۱۳۹۲ ادامه یافت. پس از مذاکره مستقیم وزرای خارجه ایران و آمریکا و سرانجام گفت و گوی تلفنی دو رئیس جمهور ایران و آمریکا، فضای جدیدی در مذاکرات هسته‌ای شکل گرفت. دور

بعدی مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو در نیمه آبان ۱۳۹۲ برگزار شد. وزیر امور خارجه ایران قبل از شروع مذاکرات با کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در دیدار و گفتگو کرد. در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو وزرای خارجه دو کشور ایران و آلمان با یکدیگر دیدار و در خصوص مسایل مورد علاقه طرفین گفتگو کردند. اما مذاکرات ژنو که پس از سه روز گفتگوهای سخت و فشرده و همراهی وزرای خارجه ۵+۱ همراه بود به نتیجه نرسید و مقرر شد طرفین ده روز دیگر مذاکرات را در ژنو از سر گیرند. ظریف پیش از شروع دور سوم گفت و گوهای ایران و ۵+۱ در ژنو به دعوت رسمی وزیر امور خارجه ایتالیا به رم سفر و با وی دیدار و در خصوص مسایل دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گفتگو کرد. در حاشیه مذاکرات ایران و ۵+۱، ظریف در دیدار با وزیر امور خارجه سوئیس از تلاش‌های دولت سوئیس در برپایی مقدمات گفتگوهای ایران و ۵+۱ تشکر کرد. این فضای مثبت ایجاد شده نهایتاً در ۳ آذر ۱۳۹۲ منجر به توافق ۶ ماهه ژنو شد. توافقی که اولین گام مؤثر برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران در طول ۱۰ سال گذشته به حساب می‌آید. مطابق این توافق مقرر شد که ایران توان غنی‌سازی خود را به ۵ درصد کاهش و تعداد سانتریفیوژهایش را افزایش ندهد و در مقابل ۵+۱ بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را لغو کند و برخی از دارایی و اموال بلوک شده ایران در بانک‌های خارجی را به این کشور مسترد سازد. بر اساس توافق ژنو صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های پلیمری ایران به اتحادیه اروپا آزاد شد. در اواخر آذر ۱۳۹۲، رئیس‌اتاق بازرگانی اتریش تصریح کرد که اتریش از برداشتن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بسیار خوشحال است. در اواخر دی ماه ۱۳۹۲، ۴ تن از اعضای پارلمان انگلستان از جمله چک استراو وزیر امور خارجه اسبق انگلستان به تهران سفر و با برخی از مقام‌های ایرانی دیدار و گفتگو کردند. چک استراو بر بهبود روابط انگلیس با ایران و ارتقای سطح آن تأکید کرد. در اواخر دی ماه ۱۳۹۲، رئیس‌کمیسیون سیاست خارجی پارلمان ایرلند و اعضای هیأت پارلمانی این کشور در سفر به ایران با وزیر امور خارجه دیدار و در خصوص مسای مورد علاقه دو طرف گفتگو کردند. در اول بهمن ماه ۱۳۹۲، وزرای خارجه، ایران و انگلیس در گفتگوی تلفنی در مورد آخرین وضعیت روابط دو جانبه، مذاکرات هسته‌ای و اجرایی کردن برنامه اقدام مشترک بحث و تبادل نظر کردند. در ۷ بهمن ۱۳۹۲، ظریف در دیدار با وزیر میراث و فعالیت‌های فرهنگی و گردشگری ایتالیا بر لزوم گسترش همکاری‌های فرهنگی بین دو کشور تأکید کرد. در نیمه بهمن ماه و در حاشیه پنجاهمین کنفرانس امنیتی مونیخ، وزیر امور خارجه ایران در دیدار با رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس آلمان در خصوص تحولات روابط دو جانبه و همکاری‌های پارلمانی دو کشور بحث و تبادل نظر کردند. همچنین ظریف با لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه نیز دیدار و گفتگو کرد. وزیر خارجه ایران در این دیدار با مرور آخرین تحولات روابط دو جانبه ایران و فرانسه ظرفیت‌های مربوط به همکاری اقتصادی دو کشور را در حوزه‌های مختلف برشمرد. همزمان وزیر امور خارجه سوئد در سفر به تهران با ظریف دیدار و در خصوص روابط فی ما بین، مناسبات ایران و اتحادیه اروپا و مهمترین تحولات منطقه و جهان دیدار و گفتگو کرد. در ۱۴ اسفند ۱۳۹۲، وزیر خارجه بلژیک به تهران سفر و با ظریف دیدار و گفتگو کرد. دو طرف در این دیدار درباره توسعه مناسبات دوجانبه و همچنین روابط ایران و اتحادیه اروپایی گفتگو کردند (سنائی و رحمتی مقدم ۱۳۹۳، ۹۳-۹۱).

### مولفه‌های تاثیرگذار بر جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه ای اتحادیه اروپا

#### ۱- سلاح‌های کشتار جمعی

موضوع جلوگیری از تولید سلاح‌های هشدار جمعی و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، همواره از موضوعات مهم در مجموعه ملاحظیات اتحادیه اروپا بوده است. از مجموعه جهت‌گیری‌ها، مواضع و بیانیه‌های اتحادیه اروپا چنین بر می‌آید که این اتحادیه- البته نه به اندازه آمریکا- دارای برخی نگرانی‌ها در خصوص احتمال دستیابی ایران به چنین تسلیحاتی است. در یکی از اسناد منتشره کمیسیون جوامع اروپایی، خطاب به پارلمان و شورای اروپا آمده است که تصمیم ایران برای گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و به ویژه موشک‌های دوربرد، نگرانی عمده‌ای برای اتحادیه اروپاست. در این سند اشاره شده است که اتحادیه اروپا ایران را تشویق می‌کند تا معاهدات مربوط به پیمان‌های امنیتی را به امضا برساند. ایران مکرراً اعلام داشته است که انعقاد قرارداد در این زمینه‌ها از جمله اشتیاق احتمالی برای تصویب معاهده منع جامعه آزمایش‌های هسته‌ای موکول به رفع قبلی اقدامات محدود کننده صادرات بین‌المللی به زبان برنامه هسته‌ای غیر نظامی این کشور است. این در حالی است که اتحادیه اروپا چنین پیش شرطی را نمی‌پذیرد. این مسأله حاکی از اهمیت فعالیت‌های نظامی ایران برای اتحادیه اروپاست. حتی برخی مدارک و شواهد نشان می‌دهد که آمریکا و اتحادیه اروپا در خصوص دست نیافتن ایران به سلاح‌های هسته‌ای با یکدیگر همکاری و تبادل نظر داشته و فراتر از آن به طور مشترک بر روسیه فشار آورده‌اند تا از هر گونه اقدام برای تجهیز ایران به چنین سلاح‌های خودداری کند. در سال ۱۹۹۸ ای.اچ.هامیلتون، از اعضای کمیته روابط خارجی در مجلس نمایندگان آمریکا، در نماه‌ای خطاب به رایین کوک، وزیر امور خارجه وقت انگلستان، که کشورش در آن زمان ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده داشت، از وی خواست تا در خصوص موضع اتحادیه اروپا در قبال خطر هسته‌ای شدن ایران توضیحاتی ارائه دهد. رابی کوک در

پاسخ به این نامه به نکات بسیار مهمی اشاره میکند که مؤید نگرانی اروپا از هسته‌ای شدن ایران، همکاری اروپا و آمریکا در خصوص این موضوع به برخی مطالب دیگر است. کوک در نامه خود می‌نویسد که اتحادیه اروپا، با همکاری آمریکا، در اعمال فشار سیاسی بر روسیه برای توقف عرضه فناوری موشک‌های بالستیک به ایران فعال بوده است (امیری و دیگران ۱۳۸۱، ۲۵-۲۴).

کوک در بخش دیگری در نامه خود با اشاره به برگزاری جلسات مشترک متعدد میان مقامات بلندپایه اتحادیه اروپا و آمریکا در گذشته و آینده، در خصوص مسائل سلاح‌های هسته‌ای می‌نویسد که وی بر تصمیم خود دایر بر استفاده از دوره ریاست انگلیس بر اتحادیه اروپا برا همکاری در زمینه همگرایی بیش‌تر سیاست‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران در زمینه نگرانی‌های مشترک واقعی، از جمله تلاش‌های ایران برای کسب سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت آن از تروریسم، تأکید داشته است. کوک در پایان یادآور می‌شود که جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی، هدف مشترک اتحادیه اروپا و آمریکاست. در واقع محتوای این نامه که یکی از اسناد قابل توجه در خصوص همکاری اتحادیه اروپا و آمریکا در زمینه دست نیافتن ایران به سلاح‌های کشتار جمعی است، در کنار سایر اسناد نشان می‌دهد که دو طرف در زمینه دست نیافتن ایران به این گونه سلاح‌ها نفع مشترکی دارند.

## ۲- تروریسم

موضوع تروریسم، از دیگر موضوعات مورد توجه نمایندگان اتحادیه اروپا و ایران در مجموعه گفتگوهای انتقادی و فراگیر بوده است. از نظر اتحادیه اروپا، تروریسم یکی دیگر از پدیده‌های چالش‌زا برای امنیت و ثبات بین‌المللی است. بنابراین هرگونه اقدامی که منجر به تشویق و تقویت این پدیده شود در تعارض با صلح جهانی قرار دارد.

موضع تروریسم در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی به طور خاص هم‌زمان با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی و رفع تهدید کمونیسم و به تبع آن افزایش اهمیت مبارزه با تروریسم، در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گرفت. در این مقطع که مصادف با آغاز تماس‌های دیپلماتیک ایران و اتحادیه اروپا در قالب گفت و گوی انتقادی بود، جمهوری اسلامی ایران در اذهان کشورهای اروپایی به عنوان حامی تروریسم در نظام بین‌المللی تلقی می‌گردید. چندین عامل موجب این طرز تلقی شده بود.

عامل اول اینکه در پی گروگان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران و به دنبال آن بمب‌گذاری در سال ۱۹۸۳ در پایگاه دریایی تفنگداران آمریکایی در جنوب لبنان و نسبت دادن آن به ایران توسط رسانه‌های غربی، دولت ریگان در ژانویه ۱۹۸۴ ایران را به عنوان یکی از کشورهای حامی تروریسم معرفی کرد.

عامل دوم، سیاست ایران در قبال بحران خاورمیانه (مناقشه اعراب و اسرائیل، موجودیت رژیم اسرائیل، حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی و احزاب الله لبنان) بود.

مهمترین چالش اتحادیه اروپا با ایران به حمایت تهران از برخی گروه‌های فلسطینی نظیر حماس و جهاد اسلامی، و نیز ارتباط آن با حزب... لبنان مربوط می‌شود. اتحادیه اروپا همچون آمریکا معتقد است که هرگونه اقدام گروه‌های فلسطینی که به کشته یا زخمی شدن غیر نظامیان اسرائیلی بیانجامد تروریسم تلقی می‌شود. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران ماهیت اقدامات مبارزان فلسطینی را تدافعی- و نه تهاجمی می‌داند و معتقد است که این اقدامات در چارچوب اصل دفاع از خود و نیز به منظور آزاد سازی مردم فلسطین از دست اشغالگران انجام می‌پذیرد. جمهوری اسلامی ایران هرگونه حمایت نظامی و تسلیحاتی از گروه‌های فوق را تکذیب و اعلام کرده است که حمایت تهران از این گروه‌ها صرفاً معنوی است. شایان ذکر است که هنوز اتفاق نظری در خصوص این موضع ایران در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا به وجود نیامده است. نکته دیگر در گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا به ماهیت تروریسمی اقدامات گروه منافقین باز می‌گردد. اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر در مورد پذیرش دیدگاه ایران در خصوص تروریستی بودن این گروه واکنش مثبتی از خود نشان داده است و در این زمینه اختلاف چندانی بین دو طرف وجود ندارد (کریمی ۱۳۸۸، ۶۷).

جمهوری اسلامی ایران ضمن پذیرش لزوم مبارزه با تروریسم، به استانداردهای دوگانه اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم انتقاد دارد. از دیدگاه مقامات تهران، اتحادیه اروپایی نسبت به جنایت‌های صهیونیست‌ها و کشتار مردم بی‌دفاع و زنان و کودکان فلسطینی هیچ واکنشی از بروز نمی‌دهند، این در حالی است که مقاومت مشروع مبارزان فلسطینی علیه اشغالگران را تروریسم می‌داند. از دیدگاه سیاستمداران ایرانی، بسیاری از کشورهای اروپایی در دوران جنگ جهانی دوم در قالب گروه‌های آزادی بخش با متجاوزان و اشغالگران آلمان نازی به مبارزه می‌پرداختند و بنابراین اکثریت اعضای اتحادیه اروپا با فعالیت گروه‌های آزادی بخش آشنایی کافی دارند. در حالی که امروزه در یک تغییر جهت آشکار، گروه‌های مقاومت فلسطینی را گروه‌های فلسطینی قلمداد می‌کنند. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران معتقد است پناه دادن اعضای اتحادیه به اروپا به برخی



مخالفان ایرانی از جمله ابوالحسن بنی صدر و مسعود رجوی و سایر عناصر سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین)، ارتش آزادی بخش ملی و شورای ملی مقاومت ایران در خاک برخی کشورهای اروپایی از مصادیق حمایت از گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود.

### ۳- حقوق بشر

اروپا همگام با آمریکا معتقد به نامساعد بودن وضعیت حقوق بشر در ایران است. البته این اتحادیه بارها اعلام داشته که در چند سال اخیر پیشرفت‌های مهمی در خصوص حقوق بشر در ایران به وقوع پیوسته است که می‌باید ادامه پیدا کند. اتحادیه اروپا در مقاطع مختلف، پیشرفت روابط با جمهوری اسلامی ایران را مشروط به بهبود و تقویت دموکراسی و حقوق بشر در این کشور کرده است. این اتحادیه اعلام داشته است که گسترش دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر، این کشور (ایران) را به شریکی با ثبات در منطقه تبدیل خواهد کرد. مسائلی همچون آزادی مطبوعات، حاکمیت قانون، رعایت حقوق اقلیت‌ها و لغو مجازات اعدام، از مهم‌ترین محورهای گفتگوی مقامات این اتحادیه با تهران در زمینه حقوق بشر بوده است. در واقع این موارد مؤید مواضع آمریکا در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران است. دیدگاه یکسان اروپا و آمریکا در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را می‌توان ناشی از اشتراک آن‌ها در ترجیحات هنجاری برخاسته از آموزه‌های سیاسی لیبرالیسم دانست. خاویر سولانا در جریان سفر اخیر خود به تهران، بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران در شکل آزادی بیان بیشتر را در کنار سایر موارد، شرط اصلی گسترش روابط اتحادیه اروپا با تهران ذکر کرد. به دنبال سفر هیأت اتحادیه اروپا به ریاست معاون وزیر امور خارجه دانمارک به تهران، این هیأت پس از بازگشت بیانیه‌ای صادر کرد که در آن بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران، در کنار این کشور از "موجودیت اجتناب‌ناپذیر اسرائیل"، مبارزه مؤثر با تروریسم و تلاش برای عدم تکثیر تسلیحات کشتار جمعی، از جمله شروط گسترش روابط با ایران ذکر شده است. این در حالی بود که معاون وزارت خارجه کشورمان بلافاصله هر گونه پیش شرط اتحادیه اروپا برای گسترش روابط با ایران را رد کرد.

### ۴- مناقشه خاورمیانه

اگر موضوع جمهوری اسلامی ایران در خصوص بحران خاورمیانه را همان آرا و مواضع مطرح شده در اصول انقلابی ایران مبنی بر نابودی اسرائیل با مخالفت با روند سازش میان اعراب و اسرائیل بدانیم، باید اذعان کنیم که میان اتحادیه اروپا و ایران در مورد این بحران اختلاف نظری عمیق و اساسی وجود دارد؛ چرا که اولاً اتحادیه اروپا همیشه بر موضوع تأمین امنیت و موجودیت اسرائیل تأکید داشته و ثانیاً به ثمر رسیدن فرایند صلح را همسو با منافع امنیتی خود دانسته است. در اجلاس وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در فوریه ۲۰۰۲ این نکته مورد تأکید قرار گرفت که موضوع خاورمیانه در حوزه امنیت اتحادیه اروپا قرار دارد.<sup>۱</sup> به همین دلیل این اتحادیه از حامیان اصلی فرایند صلح خاورمیانه به حساب می‌آید. اتحادیه اروپا همچنین طرفدار تشکیل یک دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل و خواستار تضمین امنیت هر دو طرف است. شورای اروپا بر نیاز قاطع به شروع دوباره فرایند صلح (بدون هیچ پیش شرطی) برای ایجاد یک دولت فلسطینی دموکراتیک، پایدار و مستقل و نیز تعهد جامعه بین‌المللی، از جمله کشورهای عربی، برای تضمین فعال امنیت اسرائیل، به عنوان شریکی برابر در این منطقه، تأکید کرده است.<sup>۲</sup> بنابراین، اتحادیه اروپا مخالف هر گونه اقدام و اعمال نظری است که منجر به تضعیف فرایند صلح یا تضعیف امنیت اسرائیل شود. نکته مهم آن است که اتحادیه اروپا در برخورداری با بحران خاورمیانه نگرش تاریخی را کنار گذاشته و به این موضوع که کدام دولت اشغالگر بوده است نمی‌پردازد بلکه اروپا معتقد به ضرورت برقراری صلح و آرامش در شرایط کنونی است. با توجه به این موارد، مشخص است که نگاه اروپا به بحران فلسطین قرابت زیادی با رویکرد آمریکا در این زمینه دارد؛ چرا که آمریکا نیز مدافع فرایند صلح و تضمین امنیت اسرائیل است (امیری و دیگران ۱۳۸۱، ۳۰-۲۹).

### ۵- برنامه‌های هسته‌ای ایران

اتحادیه اروپا جهت کاهش تحدیدهای امنیتی ناشی از برنامه هسته‌ای ایران سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را تنظیم کرده است که عبارتند از:

الف- سیاست خاورمیانه‌ای شامل ایجاد ائتلاف‌ها و سیاست توازن منطقه‌ای و امنیت در خاورمیانه

اتحادیه اروپا جهت کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از برنامه هسته‌ای ایران سیاست توازن منطقه‌ای به همکاری با کشورهای هم‌جوار ایران را تقویت می‌کند. اتحادیه با توسل به ارزش‌های اروپایی از قبیل حقوق بشر، لیبرالیسم، فرهنگ گرای و اجتناب از جنگ و صلح‌طلبی، خواهان نفوذ آرا و تدریجی در بین کشورهای خاورمیانه است. طرح خاورمیانه‌ای اروپا که مبتنی بر اصل

<sup>1</sup> EU Relations with the United States", www. Eurunion. Org. p. 5."

<sup>2</sup> Unilateral and extraterritorial sanctions

مشارکت با کشورهای منطقه، حل مسالمت‌آمیز مسأله‌ی فلسطین، ترویج دموکراسی و تقویت حقوق بشر است، چشم‌انداز روابط این قاره را به همسایگان ایران نزدیک می‌کند. سیاست‌های ترکیه محور و عربی محور اروپا، ایران را در موضع انفعالی قرار می‌دهد، ترکیه به عنوان همسایه‌ی مسلمان ایران که رقابت سیاسی، امنیتی و تجاری با جمهوری اسلامی دارد و همزمان عضو ناتو و سازمان کنفرانس اسلامی است به عنوان مدلی مناسب برای طرح خاورمیانه‌ای اروپا در زمینه‌ی حقوق بشر و تلاش برای دموکراسی و حتی اسلام میانه رو است. همچنین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عربستان سعودی به عنوان شرکاء اقتصادی و تجاری اروپا نفوذ ایران را در عرصه‌ی صدور انرژی کاهش می‌دهند و قدرت چانه‌زنی سه کشور مذاکره کننده‌ی اروپایی را در برابر برنامه هسته‌ای ایران بالا می‌برد. مواضع مشترک اتحادیه‌ی اروپا و سه کشور قدرتمند منطقه یعنی ترکیه، مصر و عربستان از روند صلح فلسطین و اسرائیل و بهار عربی و تحولات سوریه با سیاست خاورمیانه‌ای ایران هم‌سو نیست (یزدانی و مروتی ۱۳۹۳، ۳۹-۳۸).

اتحادیه‌ی اروپا تلاش می‌کند خطر ایران هسته‌ای را از طریق عربستان، مصر، ترکیه و پاکستان مهار کند. همه‌ی این کشورها در عین الزامات اقتصادی و امنیتی با ایران رغیب آن هم تلقی می‌شوند، بنابراین ایجاد میزانی از واگرایی بین منافع ایران و این کشورها بخش مهمی از هدف اتحادیه‌ی اروپا را تأمین می‌کند. اوج این واگرایی تمایل عربستان به سمت هسته‌ای شدن است که تمام معادلات خاورمیانه‌ای ایران را بر هم خواهد زد. همچنین پاکستان نیز به عنوان یک کشور سنی مذهب هسته‌ای خواهان مهار ایران است. از نظر کشورهای سنی منطقه، ایران خواهان تشکیل حلال شیعه از لبنان تا پاکستان به رهبری خویش است. آن هم چنین از قدرت ایدئولوژیک و تلقی دین‌گرایانه ایران در منطقه به عنوان یک عامل تجدید نظر کننده نگران هستند چراکه «مذهب شیعه بر اساس روح رومانیتک و کنش قیامت‌نگر خود در صدد انجام تغییرات بنیادین در نگرش و رفتار مسلمانان خاورمیانه بوده است» (کریمی فرد ۱۳۸۸، ۱۸۳).

ب- ایجاد تعامل و کاهش تنش با ایران

اتحادیه‌ی اروپا تمایل دارد که ابزار دیپلماسی و تعامل جهت حل بحران هسته‌ای ایران استفاده کند چراکه از یک سو گزینه‌ی نظامی در دراز مدت مشروعیت و اقتدار اروپا را بین ملل مسلمان و افکار عمومی جهانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر اروپا و ایران دارای منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی مشترک در خاورمیانه هستند. «واقعیت این است که ایران در خاورمیانه متحد راهبردی ندارد. موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک ایران را نیازمند سیاستی پیچیده و چند بعدی نموده است» (نصری ۱۳۸۲، ۱۸۹). اتحادیه اروپا بدیل مناسبی جهت توازن قوا در برابر ایالات متحده آمریکا برای ایران است. بسیاری از تهدیدهای امنیتی اروپا در خاورمیانه برای ایران هم خطر تلقی می‌شود. تعامل و همکاری دو طرف آسیب‌ها و نقاط ضعف دیگری را کاهش می‌دهد. عواملی از قبیل خطر تروریسم سنی، پاکستان هسته‌ای و احتمالاً عربستان مجهز به تسلیحات اتمی، بی‌ثباتی در عراق و افغانستان، مشکلات مصر و بهار عربی چالش‌های مشترک اروپا و ایران هستند. راه حل آنها هم می‌تواند مشترک باشد.

اروپا از گسترش جنبش سلفی‌گری و تروریسم القاعده نگران است. عربستان و پاکستان گرچه با اروپا روابط نزدیک دارند و کمک‌های نظامی و مالی از غرب دریافت می‌کنند اما در عمل نتوانسته‌اند تروریسم داخلی را سرکوب کنند. در صورتی که اروپا و ایران در مبارزه با تروریسم متحد شوند، بسیاری از معادلات عربستان و پاکستان تضعیف خواهد شد. این امر مشروط به حل مسئله‌ی هسته‌ای رفع تحریم‌ها علیه ایران است. بازار اقتصادی اروپا و صادرات نفت ایران نقطه‌ی اشتراک دو طرف است. پرونده‌ی هسته‌ای باعث نفوذ رقبای اتحادیه‌ی اروپا، از جمله چین و روسیه در اقتصاد ایران شده است. تنش زدایی بین اروپا و ایران از نفوذ این دو کشور می‌کاهد. ایران از منظر ژئوپولیتیک و هویتی برای اتحادیه اروپا نیز اهمیت دارد. در صورت ورود ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا، ایران با اروپا مرزهای مشترک خواهد داشت. هر گونه بحران، ثبات یا حتی هویت ملی و دینی در ایران مرزهای اروپا را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از نظر اتحادیه هم‌جواری با ایران هسته‌ای سیاست‌های خاورمیانه‌ای اتحادیه را تغییر خواهد داد. اتحادیه‌ی اروپا براساس سیاست خاورمیانه‌ای خواهان ارتقاء حقوق بشر و ترویج دموکراسی در ایران است و این امر را از طریق دیپلماسی و تعامل دنبال می‌کند. چرا که از نظر اتحادیه ثبات سیاسی کشور ایران وابسته به مفهوم حقوق بشر، عدم حمایت از تروریسم و تعامل در برنامه هسته‌ای است و امنیت بخش مهمی است خاورمیانه در گرو ثبات این کشور است. در نتیجه تأمین امنیت اروپا از طریق تعامل با ایران و جلوگیری از هسته‌ای شدن آن امکان‌پذیر است (یزدانی و مروتی ۱۳۹۳، ۴۱-۴۰).

## نتیجه گیری

سیاست اتحادیه اروپا در خاورمیانه اساساً تحت تأثیر سه عامل قرابت جغرافیایی، امنیت انرژی و حافظه تاریخی است. از همین رو، این اتحادیه به موضوعات موجود در منطقه خاورمیانه همچون تروریسم، رقابت تسلیحاتی، فرایند صلح فلسطین-اسرائیل، کردها و ... در چارچوب عوامل یاد شده که تأثیرات متقابل بر یکدیگر دارند، توجهی خاص دارد. در کنار عواملی چون مجاورت جغرافیایی و امنیت انرژی، حافظه تاریخی اروپاییان به ویژه دول اروپایی همچون انگلیس، فرانسه، ایتالیا و آلمان نشان می دهد که هر کدام از آنها بر حسب مسائل و موضوعات مختلف دارای علاقه و نفوذ و جایگاه در یک یا چند کشور خاورمیانه ای بوده اند.

عوامل سه گانه فوق جملگی سبب شده اند تا اتحادیه اروپا، تأمین ثبات در منطقه مذکور را به استراتژی اصلی خود در این منطقه تبدیل کند. ثبات در خاورمیانه نه تنها تقویت کننده ضریب امنیتی در اروپا بوده و از بسیاری مهاجرت های غیر قانونی به این سرزمین جلوگیری خواهد کرد، بلکه تضمین کننده فرایند انتقال انرژی در بازارهای مصرف اروپایی و توسعه مناسبات اقتصادی اتحادیه با دول منطقه می باشد. در این جهت و برای جلوگیری از پرداخت هزینه های بیشتر سیاسی و امنیتی در خاورمیانه، اتحادیه اروپا و قدرت های اروپایی به دنبال گسترش تعاملات خود با این منطقه به اشکال مختلف بوده اند. در چارچوب سیاست نزدیکی جغرافیایی، اتحادیه اروپا به دنبال ایفای نقش در عراق، مسائل مرتبط با ایران و افغانستان می باشد. یکی از تلاش های مهم اتحادیه اروپا برای ایفای نقش در منطقه خلیج فارس، روابط با اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. هم اکنون روابط اتحادیه اروپا با کشورهای عضو شورای خلیج فارس (عربستان، بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی) در چارچوب موافقت نامه همکاری که در سال ۱۹۸۹ میان جامعه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس به امضاء رسید، در جریان می باشد. هدف از این توافقنامه، کمک به تقویت ثبات در منطقه استراتژیک خلیج فارس و تسهیل روابط سیاسی و اقتصادی میان طرفین می باشد. در چارچوب این توافق نامه دو گروه کاری نیز در حوزه های انرژی و اقتصادی تشکیل شده است.

اگر چه اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس دو نهاد منطقه ای هستند، اما روابط میان این دو نهاد از ماهیتی نامتوازن و نامتوازن برخوردار است. بدین معنا که اولاً اتحادیه اروپا بلوک تجاری کاملاً پیشرفته ای با ساختار صادراتی متنوع می باشد و ثانیاً این اتحادیه برای تداوم رشد و توسعه اقتصادی خود به شکل فزاینده ای به واردات انرژی نفت و گاز وابسته است؛ حال آنکه اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در اساس متکی به صادرات نفتی بوده و صادرات غیر نفتی بخش بسیار اندکی از تجارت خارجی آنها را تشکیل می دهد تا جایی که باید گفت ۹۵ درصد از کل صادرات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس صادرات نفت و محصولات نفتی است. اتحادیه اروپا در چارچوب موافقتنامه همکاری با شورای همکاری خلیج فارس، روابط خود را با این شورا بر سه اصل همکاری سیاسی، مذاکرات تجارت آزاد و همکاری اقتصادی متمرکز نموده است. از نظر مقامات اروپایی، تقویت روابط تجاری و اقتصادی با شورای همکاری خلیج فارس از چند جهت می تواند برای اتحادیه اروپا نافع باشد. نخست اتحادیه اروپا با حمایت از تنوع بخشی به ساختار صادرات اعضای شورای همکاری خلیج فارس و تقویت نقش آنها در تجارت جهانی نه تنها می تواند به شریک تجاری مهمی برای این شورا بدل گردد، بلکه می تواند از رهگذر این شراکت به نقش شورا در توسعه ثبات در حوزه خلیج فارس و واسطه شدن به نمایندگی از آن اتحادیه در قبال برخی بحران ها و تحولات خاورمیانه ای امیدوار باشد. دوم با توجه به نیاز روز افزون اتحادیه اروپا به واردات گاز، تحکیم روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در عرصه های اقتصادی و تجاری می تواند ثبات بیشتری به واردات نفت آن اتحادیه از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که کانون اصلی صادرات نفت در جهان می باشند، ارائه دهد.

اتحادیه اروپایی با انگیزه های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه گذاری اقتصادی در ایران، توسعه نفوذ در خاورمیانه از طریق جمهوری اسلامی ایران، اثرگذاری بر روند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران بر گروه های فلسطینی، مقابله و مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و ایجاد نظام چند جانبه گرایی به جای یکجانبه گرایی آمریکا در منطقه خاورمیانه و نظام بین الملل و هم زمان با آن ایفای نقش یک قدرت بین المللی اثرگذار در کنار ایالات متحده بویژه در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته است تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد. در برابر اروپا بازیگر مقابل یعنی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای بهره گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در اقتصاد و تجارت بین الملل، استفاده از قدرت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا در حل بحران های بین المللی، جذب سرمایه گذاری های خارجی اروپا با توجه به نیازهای کشور، استفاده از تکنولوژی های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه اروپا در مسایل گوناگون، بهره گیری از قدرت سیاسی-اقتصادی اروپا در

مقابل آمریکا و کم اثر نمودن فشارهای سیاسی و اقتصادی واشنگتن بویژه در زمینه پرونده هسته ای، همواره سعی نموده است که روابط خویش با این اتحادیه را گسترش دهد. اما علی رغم تمایل اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران به تقویت و گسترش روابط فیما بین ما تاکنون شاهد وا همگرایی در این رابطه بوده ایم. وا همگرایی بدین معنا است که بازیگران مذکور از درجه همگرایی بالایی با هم برخوردار نمی باشند، از طرف دیگر با توجه به گرایش های موجود و منافع در وضعیت واگرایی نیز به سر نمی برند، لذا با یکدیگر در حالت وا همگرایی یعنی وضعیت بین همگرایی و واگرایی قرار دارند.

## منابع و مراجع

- اسدی، محسن ، خبرگزاری آفتاب، تیر ۱۳۹۲.
- امیری ، مهدی و دیگران. ۱۳۸۱. ارزیابی نقش اتحادیه اروپا در قبال تهدیدات آمریکا بر ضد ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد. شماره ۳۵.
- امینی، آرمین؛ انعامی علمداری، سهراب. ۱۳۸۸. دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۸۴-۱۳۷۶. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره هشتم.
- جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۸۴. اتحادیه اروپا و چالشهای نوین امنیتی در خاورمیانه. پژوهش حقوق عمومی. شماره ۱۴.
- سنائی، اردشیر؛ رحمتی مقدم، رومیسا. ۱۳۹۳. روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم. فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل. شماره ۲۹.
- قربان زاده، علیرضا، ایرنا، مهر، ۱۳۹۲.
- کریمی فرد، حسین. ۱۳۸۸. تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس مولفه های هویت ملی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. شماره ۲.
- نصری، قدیر. ۱۳۸۲. منابه نفتی خاورمیانه، دشواری های تبدیل ثروت به قدرت. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال دهم، شماره ۳۵.
- واعظی، محمود. ۱۳۸۵. اروپا و مسئله امنیت در خاورمیانه. فصلنامه راهبرد. شماره ۴۱.
- یزدانی، عنایت اله و لیلا مروتی. ۱۳۹۳. تبیین تاثیر برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران بر روابط متقابل این کشور و اتحادیه اروپا. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. شماره ۲۰.